



هر که رفت تکه‌ای از
دل ما را با خود برد

هشت شهیدی که نوای عاشقی
آنها در میان رزمندگان زبانزد است
صفحه ۶

شماره ۴۸ + سمنه ۴ مهر ۱۳۹۶ + ۵ محرم ۱۴۳۹

دفاع مقدس به تأسی
از عاشورا جاودانه شد



حجت‌الاسلام محسن تاج‌لنگرودی
واعظ و کارشناس معارف اسلامی
صفحه ۲

www.gudsonline.ir

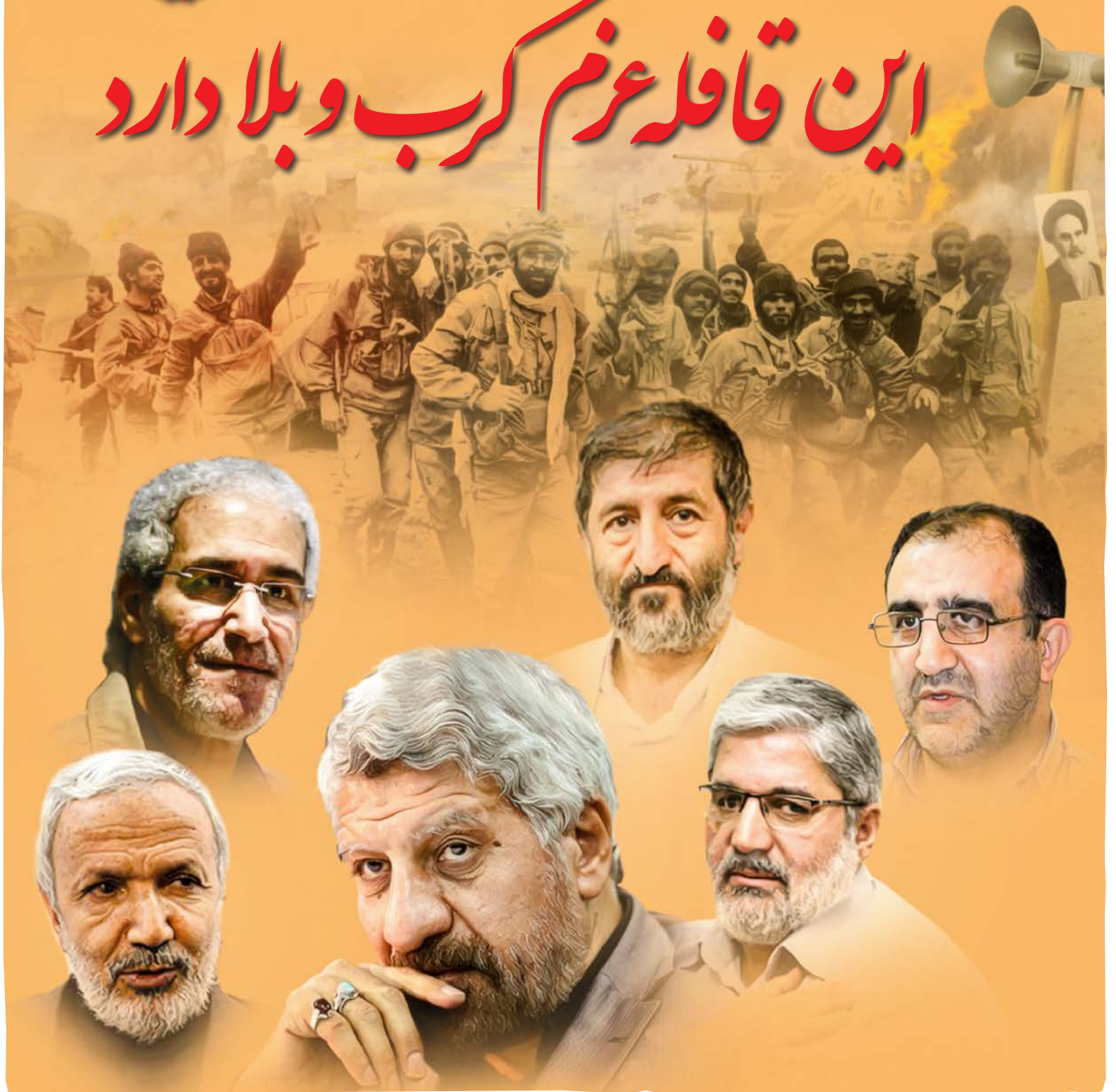
چهارده

ضمیمه هفتگی روزنامه **فکر** ویژه هیئت‌ها و محافل مذهبی



گفت و گو با مداحان شناخته شده دوران دفاع مقدس
که روحیه رزمندگان با صدای آنها گره خورده بود

این قافلۀ غم کرب و بلا دارد





۱
۲
۳
۴

نادعلی زاده، محقق هنر سنتی تعزیه درباره مراسم آیینی و شیوه‌های عزاداری ایام محرم و عاشورا گفت: «گاهی اوقات عزاداری‌ها تا نیمه‌های شب ادامه پیدا می‌کند و بسیاری از عزاداران نماز صبح‌شان قضا می‌شود. هیچ‌گاه آنمه اظهار رضی نیستند چنین اتفاقی بیفتد. احترام به حقوق مردم و آزار ندادن مردم جزو واجبات است اما عزاداری مستحب است. حال اگر صدای بلندگوهای عزاداری را زیاد کرده یا دستجات عزاداری را طوری راه‌اندازی کنیم که عبور و مرور مردم مشکل شود، اینها فدا کردن اصول برای فروع است و به هیچ‌وجه پسندیده نیست. عزاداران و هیئت‌های عزاداری باید توجه کنند که اصل دین، اخلاق، احکام... است و نباید این اصول به خاطر امور مستحب قربانی شوند».

قرآن

لقمه حلال

سوره مبارکه مدثر

«پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم». (آیه ۴۵ سوره مدثر)

چرا گل‌ها در فصل بهار شکوفه می‌دهند؟ دل‌پیش این است که آب باران نوشیده‌اند، همنفس نسیم بهاری شده‌اند و زیر تابش نور بوده‌اند. شرط شکفتن و شکوفایی انسان هم همین است که مراقب خوردن لقمه‌ها و همنشینان خود باشد. هر کسی بر این دو مراقبت کند، مانند گل شکوفا می‌شود. حافظ می‌گوید بهار فصلی است که انسان‌ها را موعظه می‌کنند و این پند را می‌دهند که اگر می‌خواهی مانند ما طراوت پیدا کنی و از غنچه بودن باید مراقب باشی. اول درباره حلال و حرام خودت مواظبت کن. چون لقمه ناپاک انسان را محروم می‌کند.



دفاع مقدس به تاسی از عاشورا جاودانه شد

حجت‌الاسلام محسن تاج لنگرودی، واعظ و کارشناس معارف اسلامی

مقدس یادآور حادثه کربلا بوده چراکه مهم‌ترین ویژگی شهادی کربلا ولایت‌پذیری بوده که ما جلوه‌ای شفاف و زلال از این اطاعت‌پذیری محض را در جبهه‌های حق علیه باطل دیدیم. رزمندگان ما اموتند که عباس بن علی علیه السلام برای شمشیر زدن و پیکار کردن در روز عاشورا خودش را آماده کرده بود ولی امام او به وی تکلیف می‌کند که آب بیابورد. ولایت‌پذیری او، وی را به شریعه می‌کشاند و در راه آوردن آب به شهادت می‌رسد و ملقب می‌شود به سفای دشت کربلا. بنابراین یکی از مصادیق درک فرهنگ عاشورا، اطاعت از فرمان ولی است. به عنوان مثال وقتی بعضی از رزمندگان برای جنگ با اسرائیل و نجات قدس از جنگل صهیونیست‌ها خود را به لبنان رساندند، امام علیه السلام فرمودند راه قدس از کربلا می‌گذرد. رزمندگان ولایت‌پذیر برگشتند و گوش به فرمان امام در جبهه‌ها مشغول پیکار با دشمن یعنی شدند. یا وقتی امام علیه السلام دستور شکستن حصر آبادان را صادر کردند، رزمندگان اسلام در اجرای فرمان ایشان دست از پا نداشتند تا آبادان را از جنگال رژیم بعثی عراق نجات دهند. الگوی رزمندگان در کارهای فردی مثل نماز شب، شرکت در نماز جماعت، استغفار و دعا، شب عاشورا بود. در کربلا پیر و جوان و نوجوان حضور سرنوشت‌ساز داشتند. در کربلا ایران هم همین‌طور. شهید فهمیده‌ها، شهید جنگجویها، شهید بالازاده‌ها و دیگر شهدای نوجوان که کم نبودند، یادآور قاسم بن الحسن علیه السلام و عبدالله بن الحسن علیه السلام بودند. شهید عموحسن و دیگر پیران یادآور حبیب بن مظاهر بودند و هزاران هزار شهید جوان یادآور شهدای جوان کربلا بودند. در یک جمله حقیقی باعث ماندگاری فرهنگ عاشورا شد و با تاسی به همان فرهنگ، دفاع مقدس ما جاودانه شد اما امروز همان‌طور که این سبک عزاداری‌ها در هیئت‌های بزرگ و کوچک رایج است از عزاداری عزیزان رزمنده نشأت می‌گیرد. عزیزان رزمنده در عزاداری‌های خود ابتدا به شعور و سپس به شور توجه داشتند. در هیئت‌های امروز هم اگر محور اصلی شعور باشد اهداف عاشورا زنده خواهد ماند. طبق فرموده مقام معظم رهبری ما هیئت سکولار نداریم. هیئت‌ها و جلسات باید خود را به اهداف امام حسین علیه السلام در حرکت عاشورایی برسانند. هدف فقط عزاداری نباشد. باید ضمن اصلاح سبک عزاداری بنابر فرمایش بزرگان، احکام دین همچون امر به معروف و نهی از منکر توجه شود. هیئت‌ها و حسینیه‌ها باید در امتداد تربیت حسینی حرکت کنند. به تعبیر امام موسی صدر قهرمان مبارزه با صهیونیست‌ها: «من حسینیه را حسینیه نمی‌دانم مگر اینکه دل‌آورانی را برای نبرد با دشمن اسرائیلی در جنوب لبنان فارغ‌التحصیل کند». به امید روزی که همه جلسات، هیئت‌ها، حسینیه‌ها و مساجد، با اشعار حماسی و عزاداری همراه با شعور در ترویج فرهنگ عاشورا توانمند عمل کنند.

می‌دانید که حق همیشه در طول تاریخ واحد بوده و همه انبیا و اولیا ادامه‌دهنده راه همدیگر بوده‌اند و تجلی نهایی در ظهور امام زمان علیه السلام به مرحله وضوح می‌رسد. آن حضرت بعد از ظهور به کعبه تکیه می‌کند و می‌فرماید: «آگاه باشید! هر کس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، اینک منم آدم و شیث. هر کس می‌خواهد نوح و فرزندش سام را به تماشا نشیند، اینک منم نوح و سام. هر کس می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اینک منم ابراهیم و اسماعیل. هر کس می‌خواهد موسی و یوشع را ببیند، اینک منم موسی و یوشع. هر کس می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند، اینک منم عیسی و شمعون. هر کس می‌خواهد رسول اکرم و امیرالمؤمنین را ببیند، اینک منم محمد و علی. هر کس می‌خواهد حسن و حسین را ببیند، اینک منم حسن و حسین. هر کس می‌خواهد امامان از فرزندان حسین را تماشا کند، اینک من همان چکیده آنمه از فرزندان حسینم». یعنی هر کس می‌خواهد به چکیده انبیا و اولیای خداوند نگاه کند و در یک جمله هر کس طالب رسیدن به حق است، باید به مهدی فاطمه علیه السلام بنگرد و حق در او متجلی شود. عاشورا هم که بزرگ‌ترین میدان مبارزه حق علیه باطل در طول تاریخ و الگوی حق‌خواهان و حق‌طلبان بوده و هست، چنانچه در روزهای انقلاب و سال‌های دفاع مقدس الگوی ما بوده. در سال‌های دفاع مقدس جوانان ما همان راهی را رفتند که حسین بن علی علیه السلام و شهدای کربلا رفتند و بسیاری از حرکت‌های جوانان ما در دفاع



امواج پر تلاطم عاشورا

سیدعلی امامیان، پژوهشگر دینی

هر حادثه بزرگ و عظیمی که در جهان روی دهد، طولی نمی‌کشد که جزو و مد زندگی آن را به دست فراموشی می‌سپارد. مرور زمان از هیجان، فروغ و درخشندگی آن می‌کاهد و تنها در صفحات متروک، نام و نشانی از آن باقی می‌ماند اما قیام خوتین سیدالشهدا علیه السلام قیامی است که در ظاهر سرکوب شده و حکام آن روز جشن پیروزی برپا کردند اما طولی نکشید که شعاع وجودی این نهضت خونین عالم را درنوردید و از فردای عاشورا، صدای عاشورائیان در کوی و برزن پیچید و علم پیروزی برافراشت و کاخ بیدادگری را لرزاند. امروز راز این حقیقت را باید در ماهیت این نهضت جست‌وجو کرد و آن چیزی جز اصلاح امور و احیای فضایل انسانی و کرامت بشری نبود. اصلاح جامعه از کزی‌ها و انحرافات خوارسته باطنی هر انسان آزاده‌ای است و به همین دلیل از آن روز تا به امروز نهضت عاشورا همواره مورد توجه مشتاقان حقیقت و جویندگان طریقت بوده و هست و هر روز رازی از آن واقعه پرمرز و راز برای پویندگان راه کمال و سعادت گشوده می‌شود. چون چشمه‌سار معرفت الهی همواره می‌جوشد و تشنگان فضایل انسانی را سیراب می‌کند. تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با هدایت الهی و حمایت علوی توانسته بود امتی تربیت کند که سر به آستان قدسی ساییده، لب به ذکر تسبیح گشوده و شب را به قیام و قعود گذرانده و روز را به یاد خدا سر کنند اما پس از رحلت جانگاز نگیین خلقت، جمعی در سقیفه گرد هم آمدند و سکان هدایت جامعه نبوی را به ناحق در دست گرفتند و کاروان امت را از راه کرامت بازداشتند و در مسیر جهالت قرار دادند و راه حاکمیت اموی را هموار کردند. به هر حال وضعیت جامعه اسلامی به گونه‌ای بود که امام حسین علیه السلام همراه یاران باوقایش مظلومانه در سرزمین کربلا به شهادت رسید اما این وضعیت پس از شهادت شهدای نینوا به یکباره دگرگون شد و عاشورا امواجی پرتلاطم ایجاد کرد که ابتدا کوفه و سپس شام را درنوردید و در شام هنگامه عجیبی به پا کرد چراکه اوج فریادگری عاشورائیان در مجلس شام اتفاق افتاد؛ آنجا که یزید به مناسبت فتح و پیروزی از سران و نمایندگان دول خارجی دعوت کرد که در جشن شادی با او شریک باشند. سیدالساجدین علیه السلام در آن مجلس خطبه‌ای خواند که استوانه و پایه‌های حکومت بنی‌امیه را لرزاند. بنابراین یکی از پیامدهای اجتماعی عاشورا، بیداری جامعه اسلامی و انسانی است. شناخت و آگاهی از ارزش‌ها و واقعیت‌ها از ارکان اصلی تشکلهای اجتماعی است. حکام ستمگر و زورمندان همواره تلاش می‌کنند مردم را از ارزش‌ها و واقعیت‌ها دور نگاهدارند و با گمراه ساختن آنها همچنان به ظلم و بیدادگری خود ادامه دهند.

بازتاب‌های «چهارده» را در اینجا بخوانید. منتظر پیشنهادها و انتقاداتان هستیم.

است که باید بیشتر رسانه‌های ما نیز این رویکرد را در دستور کار خود قرار دهند چراکه واقعا رسانه‌ها فقط یک قشر و گروه‌هایی را برای مصاحبه و تهیه گزارش انتخاب می‌کنند. ***مریم کلایی:** نیازمند بررسی شیوات و تبیین رویکردهای حقیقی یک منتظر واقعی هستیم. اصلا یک صفحه اختصاصی برای امام زمان علیه السلام داشته باشید تا مطالب گوناگون پیرامون اقداماتی که لازم است در زمان غیبت انجام داد منتشر شوند.

***محمد حسین ۱۴:** متأسفانه امروز بسیاری از هیئت‌ها در مسیر درست و اصولی خودشان حرکت نمی‌کنند و آسیب‌زا هستند. انتظار می‌رود هفته‌نامه شما روشنگری کند تا مستمع بدانند کدام هیئت‌ها با چه شاخصه‌هایی را برگزینند. ***عارفه ۱۱۰:** ضرورت دارد رسانه‌های مذهبی به موضوعات روز بیشتر بپردازند چراکه جامعه نیاز به بصیرت‌افزایی دینی و اسلامی دارد. ***کربلای ۲۱:** هفته‌نامه «چهارده» برای جدایی بیشتر نیازمند پرداختن به



حجت‌الاسلام ماندگاری: باید در رسانه مذهبی آنگذر بدویم تا شهید شویم

رسانه بستر تأثیرگذار و جریان‌سازی است که اگر برنامه‌ریزی درستی نداشته باشیم، دشمن برای ما برنامه‌ریزی کرده و با آدرس غلط نیت‌های شوم خود را پیاده می‌کند. بدانید که کار شما کار بسیار گرانبه‌ای است. چون دشمنان چشم دوخته و منتظرند از هر حربه‌ای استفاده کنند و فضای هیئت‌ها را به چالش بکشند. شما هم باید در این راستا میداندار و پرچمدار باشید. رسانه و فضای مجازی می‌تواند بهترین فضا برای پیشبرد اهداف اسلامی باشد. به تعبیری در این عرصه باید آنگذر بدویم تا از نفس بیفتیم و شهید شویم.



حسن بنیانین، رئیس کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: «هر عزیزی که در کشور تربیونی در اختیار می‌گیرد، مخاطبانی دارد که آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این یعنی آن فرد دارد در سیاست دخالت می‌کند. این اتفاق می‌افتد. چه فرد متوجه باشد و چه نباشد اما این فرایند دخیل بودن در سیاست باید آگاهانه و با هدف انجام شود. وقتی یک مداح می‌گوید هیئت ما در سیاست دخالت نمی‌کند و همین امتیاز هیئت ماست، یعنی می‌گوید دین با سیاست کاری ندارد. اصلاح جامعه و فرد توأمان است که انجام می‌شود. اگر شرایط به گونه‌ای باشد که این گروه از مداحان می‌گویند، یعنی اصلاحی در فرد صورت نمی‌گیرد».

بلاکبرچشمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دهه اول محرم در مشهد هیئت کجا برویم؟

با توجه به اینکه این روزها همه هیئت‌ها مراسم ویژه‌ای دارند در اینجا درباره زمان و مکان برخی از آنها اطلاع‌رسانی شده. شما هم می‌توانید زمان و مکان مراسم هیئت‌تان را برای ما به نشانی
Qudsonline14@gmail.com
ارسال کنید تا در همین صفحه چاپ شود.

مجتمع مهدیه مهر آباد

سخنران: حجت‌الاسلام یوسفی
مداحان: سیدمحمد هاشم‌نیا و هادی
جمشیدی
نشانی: مشهد، شهرک مهرآباد، نبش
مهرآباد ۱۲
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۱۰
ساعت: ۲۰ الی ۲۲

هیئت دارالعلم قرآن

سخنران: حجت‌الاسلام بدری
مداحان: هادی سدیدیان، اسماعیلی و
صولتی
نشانی: سبزوار، مسجد الغدیر
زمان: ۹۶/۷/۱۰ الی ۹۶/۷/۱۰
ساعت: ۱۹:۳۰ الی ۲۲

محبان المنتظر

سخنران: حجت‌الاسلام حسینی
مداحان: محسن رشیدی‌نژاد، سیدمهدی
سجادی‌زاده و سیدجواد سجادی‌زاده
نشانی: مشهد، بلوار طبرسی اول،
طبرسی ۶۲، بین کافی ۲ و ۴
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۱۱
ساعت: ۲۰ الی ۲۲

هیئت عشاق الائمه

سخنران: حجت‌الاسلام محمد بیاراست
مداحان: محمد عطایی، محمدحسینی و جواد
فرخاری
نشانی: مشهد، بزرگراه شهید بابانظر، شهید
بابانظر ۵۴، شهید نوروزی ۷، علامت تابلو
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۹
ساعت: ۱۸:۳۰ الی ۲۱

حزب‌الله بیدخت

سخنرانان: حجج اسلام علی‌اکبری و میری
مداحان: حمید نقره، ابراهیم میری، علی‌الهی و نورالله کاظمی
نشانی: گناباد، بیدخت، مسجد جامع بیدخت
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۹
ساعت: ۱۹:۳۰ الی ۲۲

هیئت رزمندگان اسلام

سخنران: حجت‌الاسلام برادران
مداح: حمید اکبری
نشانی: مشهد، بلوار مصلی، مصلی ۱۱،
جامعه‌الحسین رزمندگان اسلام
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۱۰
ساعت: ۲۰ الی ۲۲:۳۰

حسینیة انصار الحجة

سخنران: حجت‌الاسلام مهدی معماریان
مداح: امیر کرمانشاهی
نشانی: مشهد، میدان شهید، کوچه ناظر،
حسینیة امام رضا
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۹
ساعت: ۲۰ الی ۲۲:۳۰

حسینیة حضرت زینب

سخنرانان: حجج اسلام رفیعی و
ماندگاری
مداحان: تمیز، خدایاری و دهقان
نشانی: مشهد، شهرک شهید رجایی،
حر ۱۵
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۱۰
ساعت: ۲۱ الی ۲۳

خیمه‌الحسین

سخنران: حجت‌الاسلام زرین
مداح: علی برادران
نشانی: مشهد، سه راه ادبیات
زمان: ۹۶/۶/۳۰ الی ۹۶/۷/۹
ساعت: ۲۰:۱۵ الی ۲۲:۳۰



مراسم رونمایی از طرح بیمه فیروزه‌های بیمه معلم با دغدغه حمایت از هیئات، مساجد، حسینیه‌ها و تکایا با حضور هنرمندان، مداحان، مسئولان و اقشار مختلف مردم در سالن مسجد جامع شهرک غرب تهران برگزار شد. بیمه فیروزه‌های بیمه‌نامه جامع آتش‌سوزی و مسئولیت مدنی مساجد، هیئت‌های حسینی، تکایا، امامزادگان و اماکن متبرکه است که با حمایت و پشتیبانی بیمه معلم، در آستانه محرّم خدمات خود را ارائه می‌دهد.



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰



گفت و گو با مداحان شناخته‌شده که روحیه رزمندگان با ص...

این قافله عزم

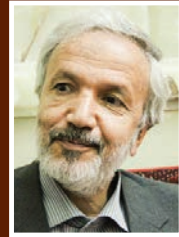
محمود

دفاع مقدس در سرزمین ما حماسه عظیم و شورانگیز مردمی بود که تحسین و نوجوانانی که در کوچه پس‌کوچه‌ها پرسه می‌زدند و روزها را به بازپوشیدن و به جدال با دشمن رفتند و قصه دل‌آوری‌ها و ایثارگری‌ها پیشان آسه‌روزه با فتح تهران به پایان می‌رسید اما هشت سال طول کشید؛ هشت‌زیبایی داشت که شاید روزگاری قصه مادران برای کودکان شود. در این مط



حاج رضا پورا احمد اشک به جای سبک

روزهای نخستی که با به جبهه گذاشتن عضو لشکر محمد رسول‌الله ﷺ بودم و مدتی هم به لشکر ۱۰ سیدالشهدا ﷺ و تیپ ۳۱۳ حر رفتم. افرادی که در جبهه مداحی می‌کردند تعدادشان معدود بود. حاج صادق آهنگران مداحی عملیات‌ها و قرارگاه‌ها را برعهده داشت و بقیه مداحان در لشکرها و تیپ‌های مختلف مداحی می‌کردند تا به رزمندگان روحیه بدهند. کار مداح این بود که احساسات بچه‌ها را برانگیخته کند، روضه‌هایی را که می‌خواندیم با فضای جبهه تطبیق می‌دادیم و این امر باعث می‌شد بچه‌ها با ایمان بیشتری در عملیات‌ها شرکت کنند. مناجات‌خوانی‌های نیمه شب هم فضایی در جبهه‌ها درست کرده بود که آن فضا دیگر تجربه نمی‌شود. صدای گریه‌ها و ناله‌ها که نیمه‌شب در سنگرها می‌پیچید انسان را یاد شب عاشورا می‌انداخت. بچه‌ها با مناجات خمس عشر و توأین خیلی انس داشتند. زیارت عاشورا هیچ‌وقت ترک نمی‌شد در نوحه‌های بیشتر از سبک‌های قدیمی استفاده می‌شد البته نوآوری‌هایی هم وجود داشت. آن موقع شاعر ندانستیم که سبک‌های جدید بسازد. بیشتر حال و هوای رزمندگان بود که مجالس روضه جبهه را گرم نگه می‌داشت. به جای سبک، اشک کار می‌کرد. تکلف‌هایی که امروز دانگنیر مداحی‌هاست در جبهه نبود. مداح و مستمع مثل هم بودند با یک لباس خاکی. یکی می‌خواند، یکی گریه می‌کرد. من بارها شاهد بودم که شهید غلامعلی رجبی خودش می‌خواند، خودش هم گریه می‌کرد. بچه‌ها کار مداح را راحت کرده بودند. رقت قلبی که در رزمندگان بود و شوق وصل به اباعبدالله ﷺ و رفقای شهیدشان فضا را به گونه‌ای کرده بود که نیازی به خواندن روضه‌های سنگین نبود. همین که شروع به خواندن می‌کردیم بچه‌ها گریه می‌کردند. رزمندگان با روضه حضرت ابوالفضل ﷺ خیلی انس داشتند. در شب‌های عملیات بچه‌ها در حالی که سرپند بسته بودند سلاح‌ها را برمی‌داشتند و به صف می‌شدند. بعد فرمانده صحبتی می‌کرد و ذکر توسل و روضه بود. بیشتر هم روضه وداع امام حسین ﷺ خوانده می‌شد. چند لحظه هم به سینه می‌زدیم. عزاداری در شب‌های عملیات فرق می‌کرد. چون همه احساس می‌کردند ممکن است لحظه آخرشان باشد. یک هیئت در جبهه ممکن بود هر جا و هر لحظه برگزار شود. گاهی پنج شش نفر دور هم در یک سنگر جمع می‌شدند و برای خودشان می‌خواندند و گریه می‌کردند. گاهی هم برای یک لشکر هیئت می‌گرفتم. اوج مداحی‌ام در جبهه بود. این روزها که می‌خواهم بخوانم هر وقت یاد جبهه و به ویژه برادر شهیدم عباس پورا احمد می‌افتم سوز خواندنم بیشتر می‌شود و دلم هوای جبهه می‌کند.



حاج ماشاءالله عابدی شهادتین در روضه شهادتین

بیشتر از ۲۰ سال داشتم که به جبهه رفتم. یکی از عملیات‌هایی که در آن شرکت کردم عملیات کربلای ۴ بود. ما در خرمشهر مستقر بودیم و مرکز عملیات هم آنجا بود. با اینکه مخفی عمل کرده بودیم ولی عملیات لو رفت و لشکر به عقب برگشت. عملیات را لشکر ۱۰ سیدالشهدا ﷺ انجام می‌داد. الطاف خاص خداوند تعالی و هوشمندی مسئولان عملیات باعث شد تلفات بسیار کمی بدهیم. یاد می‌آید قبل از عملیات، لشکر در مسجد جامع خرمشهر جمع شده بود و من هم آنجا خواندم. در ستاد فرماندهی عملیات هم دعای توسل خواندم. فضای خواندن در جبهه با جاهای دیگر بسیار متفاوت بود. انگار خدا و اهل بیت ﷺ آنجا نزدیک‌تر بودند و حضور آنها را حس می‌کردیم. بچه‌ها همیشه برای شهادت آماده بودند و وقتی مجالس مداحی به پا می‌کردیم شهادتین می‌خواندند. به هر حال جنگ بود و گلوله و خمپاره. خیلی از مداحان باید خودشان را مرهون فضای جبهه بدانند. اصلاً این فضا عده‌ای را مداح کرد. دم امام حسین ﷺ آنجا دمیده می‌شد و مداحانی که در جبهه بودند این دم را می‌گرفتند. جنگ در زمینه‌های مختلف تحولات زیادی در کشور ایجاد کرد. از جمله این تحولات می‌توان به مداحی و گسترش توسل و توجه به اهل بیت ﷺ اشاره کرد. اوایل انقلاب و قبل از آغاز جنگ بعضی‌ها نغمه‌هایی سردادند که دیگر نیازی به عزاداری و توسل نیست. در بعضی محافل هم یک مقداری رکود ایجاد شده بود. تا اینکه امام ﷺ در یکی از فرمایشاتشان مردم را به توسل ترغیب کردند. مثل آن جمله معروف که فرمودند: «محرّم و صفر است که اسلام را زنده نگه‌داشته». آغاز جنگ با آن شرایطی که ایران تنها بود و همه دنیا دشمن را یاری می‌کردند باعث شد به صورت فطری توسلی به خدای تعالی و مصومین (علیهم‌السلام) ایجاد شود. بدون شک کمک خدا و اهل بیت در جنگ خیلی به دامن رسید. شاید برای همین بود که فضای جبهه‌ها پیش از پیش به مداحی و ذکر اهل بیت نیاز پیدا کرد و هر روز در سنگرها مجلس ذکر و مناجات و توسل برگزار می‌شد. برای هر عملیاتی هم یک رمزی می‌گذاشتند. گاهی به امیرالمؤمنین ﷺ متوسل می‌شدند و نام عملیات به نام ایشان می‌شد. گاهی رمز عملیات نام حضرت زهرا ﷺ بود و گاهی حضرت ابوالفضل ﷺ یا دیگر حضرات. گاهی هم یک مداحی توسلاتش به یکی از اهل بیت بیشتر بود و باعث می‌شد اطرافیان هم به آن معصوم بیشتر توسل پیدا کنند. اما نام حضرت زهرا با توجه به مقام آن حضرت و احترامی که اهل بیت (علیهم‌السلام) برای ایشان قائلند بیشتر از دیگر نام‌ها در جبهه برده می‌شد. گاهی اتفاق می‌افتد در جلسه‌ای به یکی از اهل بیت متوسل می‌شدیم و بعد از آن جلسه بعضی از بچه‌ها که شهید می‌شدند و شیوه شهادتشان مانند همان معصومی بود که آن شهید به او متوسل شده بود. با اینکه بیشتر توسلاتش به آن معصوم بود. مثلاً اگر بیشتر به حضرت زهرا توسل داشت می‌دیدیم که گلوله به پهلویش خورده و شهید شده یا اگر به حضرت ابوالفضل ﷺ متوسل بود داستان آن شهید قطع شده بود. به هر حال روزگار عجیبی بود.



محمود زولپیده خنده و گریه عشاق

گردان میثم از گردان‌های لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ﷺ در زمان جنگ بود و نیروهای آن بچه‌های جنوب شهر تهران بودند؛ جوانانی با روحیه لوطی‌منشی و شجاعت. گردان میثم در خیلی از عملیات‌های سخت مثل کربلای ۵ حضور داشت و شهدای زیادی تقدیم اسلام کرد. از مداحانی که در این گردان حضور داشتند و محفل بچه‌های گردان را گرم می‌کردند می‌توان به شهید داوود عابدی و حاج محمود زولپیده اشاره کرد. حاج محمود، شاعر و مداح اهل بیت (علیهم‌السلام) آن روزها هم فرمانده گروهان بود و هم می‌خواند. یکی از شب‌هایی که شهید داوود عابدی و حاج محمود زولپیده با هم روضه حضرت ابوالفضل ﷺ را خواندند، شب دوم عملیات بدر بود که فردای آن داوود شهید شد. حاج محمود همراه یارانش در عملیات کربلای ۵ حضور داشت. در همین عملیات گلوله راکت به نزدیکی او برخورد کرد طوری که بدن او از شکم، پا و صورت پر از ترکش شد و دوستانش همه فکر کردند او شهید شده. سیدابوالفضل کاظمی که مدتی فرمانده گردان میثم بود درباره مجروحیت حاج محمود این‌طور می‌گوید: «در اردوگاه کارون مستقر بودیم. بعد از نماز جشن میلاد حضرت زهرا ﷺ را برپا کرده بودیم اما چه جشنی؟ همه خواننده‌ها و بلبل‌هایمان شهید یا مجروح شده بودند و جایشان خالی بود. آن شب داوود دهقانی، حاج آقا بایگان، حسین سازور، یدالله اعلائی و اصغر ارسنجانی مداحی کردند. وسط جشن، مهدی شریفی پیغام آورد که فردا صبح قرار است پای محمود زولپیده را قطع کنند. این حرف او مجلس را به هم ریخت. بچه‌ها محمود را دوست داشتند و دل‌بسته‌اش بودند. محمود هم فرمانده بود، هم مداح گردان. همه ناراحت شدند. مداحان از سر سوز خواندند. گریه و خنده با هم قاطی شد و حال عجیبی به همه دست داد. اینجاست که می‌گویند خنده و گریه عشاق ز جای دگر است.





حجت‌الاسلام حسین فتحي، مدير مؤسسه هلال ضمن اعلام انتشار نسخه ديگيتال كتاب «يك ماه خون گرفته» جديدترين اثر استاد غلامرضا سازگار در نرم‌افزار نخل ميشم گفت: «نسخه ديگيتال اين كتاب هم‌اکنون در نرم‌افزار نخل ميشم بارگذاري شده تا علاقه‌مندان بتوانند با صرف هزینه و زمان کمتری نسبت به تهیه نسخه چاپی به این اثر دسترسی داشته باشند. نسخه ديگيتال كتاب «يك ماه خون گرفته» روی نرم‌افزار نخل ميشم با تخفيف ویژه ماه محرم ارائه شده و بانک جمعی از اشعار استاد سازگار همراه آموزش سبک‌ها در این نرم‌افزار در دسترس مخاطبان قرار دارد.»



نه شده دوران دفاع مقدس
مدای آنها گره خورده بود

کرب و بلا دارد

ضا درخشانی

محل حضور بیگانه را نداشتند و هجوم نامردان را از هر جنس و نژادی تاب بگوشی شب می‌کردند، به تأسی از مولایشان امام حسین (علیه السلام) لباس رزم غاغ شد. قصه مردان عاشق حکایت نبردی است که به گمان عراقی‌ها باید ست سالی که هر روز آن یک دانشگاه انسان‌سازی بود. جنگ ما حکایت‌های ملبب خاطرات چهره‌های مداحی را از سال‌های حماسه و خون مرور کرده‌یم.



حاج منصور نورایی

سایه جبهه روی سر هیئت‌هاست

قبل از اینکه به جبهه بروم مداح بودم. در دوره نوجوانی به حوزه آقای مجتهدی می‌رفتم. پدر و پدربزرگم هم روحانی بودند و دستی در مداحی داشتند اما مداحی حرفه‌ای را زیر نظر حاج آقا جواد که مؤسس هیئت محبین العباس (علیهم السلام) بود آغاز کردم. انقلاب که شد حدوداً ۲۰ سال داشتم. آن موقع در راهپیمایی‌ها که شرکت می‌کردیم شعر می‌ساختیم و بعضی اوقات این شعارها را می‌خواندم و مردم تکرار می‌کردند. ماجرای پاره و جنابیتی که دشمنان در آن انجام دادند برای من خیلی تکان‌دهنده بود و باعث شد دیگر همه زندگی‌ام را برای مبارزه بگذارم. راستش را بخواهید تا عملیات طریق‌القدس بیشتر در جمع‌های خودماتی مداحی می‌کردم و برنامه‌ای برای مداحی نداشتیم اما آن روزها یک تفکر روشنفکر مآبانه‌ای در سیاه ایجاد شده بود که می‌خواست بعضی از اصول را زیر سوال برد. آنجا بود که تصمیم گرفتم به وسیله مداحی کار فرهنگی انجام دهم. برای همین تعدادی سبک‌سینه‌زنی و نوحه‌های جدید ساختم که در آن سال‌ها خیلی گل کرد. نوحه‌هایی مثل «حسین جان کربلا»، روی دیگر خواندن ما هم قرار داشت دعاها بود. هر وقت که امام (علیه السلام) صحبت می‌کردند به خودم می‌آمدم و متوجه می‌شدم معارف شیعه را باید به وسیله دعا به مردم و رزمندگان پیام‌موم. البته فضای جبهه به گونه‌ای بود که بچه‌ها خود به خود به سمت روضه و دعا کشیده می‌شدند. هم از لحاظ معنوی در جبهه‌ها و هم از این نظر که وقتی انسان در موقعیت خطر قرار می‌گیرد به خدا و اهل بیت متوسل می‌شود. هنر مداحی باعث شد از این فضا خوب استفاده شود و مداحی تأثیرش را بر جبهه بگذارد. جبهه هم بر مداحی و مداحان بسیار تأثیر گذاشت. جبهه باعث شد مداح به چیزی که می‌خواند باور پیدا کند. یعنی ببیند و در جانش بنشیند و در نهایت کلام و صدایش در دل‌ها اثر بگذارد. اکثر مداحانی که در جبهه بوده‌اند و الان در مداحی‌شان موفقند به خاطر همان خاک جبهه است. سوز صدایشان به خاطر همان چیزهایی است که دیده‌اند. هر وقت به یاد جبهه می‌آیم و می‌خوانم صدایم تغییر می‌کند. سایه جبهه هنوز روی سر هیئت‌هاست. این خصوصیت خاص مداحی بعد از انقلاب است.

صادق آهنگران



بی‌وفایی کوفیان را جبران کردند

کسانی که سال‌های دفاع مقدس را تجربه کرده‌اند و سن‌شان به آن سال‌ها قدمی دهد خوب به یاد دارند صدای رزمندگان را که با لباس بسیجی و بیشتر با یک بلندگوی دستی در میان رزمندگان اشعار حماسی می‌خواند تا شور و هیجان آنها دوچندان شود. روزهای پرتلاشی بود. هر کس از هر راهی که می‌توانست برای پاسداری از کشور اقدام می‌کرد. یکی در خط مقدم می‌جنگید و دیگری از مجروحین پرستاری می‌کرد. صادق آهنگران که خیلی زود در میان مردم معروف شد، می‌گوید: «خیلی دوست داشتم در خط مقدم باشم اما می‌گفتند در وضعیت کنونی وظیفه شما فقط خواندن است. حالا فرقی نمی‌کند در جبهه باشد یا در شهر. اوایل فقط در جبهه بودم. وظیفه‌ای را که بر عهده من گذاشته شده بود می‌توان در سه بخش تعریف کرد. بخش اول قبل از آغاز حمله و برای جمع کردن نیرو از شهرهای مختلف بود به طوری که هلیکوپتری در اختیار من گذاشته بودند و من در یک روز به سه چهار استان می‌رفتم تا در مردم شور و اشتیاق ایجاد کنم. بخشی از مسئولیت من روحیه دادن به کسانی بود که مدتی را در جبهه سپری کرده بودند. به هر حال چون گاهی اوقات رزمندگان زمان طولانی در جبهه می‌مانند خسته می‌شدند. برای همین در خیمه‌ها ایشان برنامه می‌گذاشتیم. من هم گردان به گردان و لشکر به لشکر می‌رفتم و برایشان دعای توسل می‌خواندم و مداحی می‌کردم. قبل از عملیات هم رمز عملیات را به من می‌گفتند تا به آقای معلمی بگویم و او آن رمز را در اشعار بگنجانم. بیشتر اوقات همراه من بود و اگر هم به دلایلی در جبهه نبود، از طریق رمز عملیات را به او می‌رساندیم. علاوه بر این فردای عملیات برای روحیه دادن به بچه‌هایی که با بانک دشمن مواجه شده بودند هم برنامه داشتیم. مرحله بعد رفتن به شهرهایی بود که شهدایی را تقدیم اسلام و انقلاب کرده بودند که خیلی تأثیرگذار بود. در هر صورت به قول شهید آوینی مردم ایران در این هشت سال بی‌وفایی کوفیان را جبران کردند». او درباره اشعار نوحه‌های که سروده می‌شدند می‌گوید: «اشعار را بر اساس عملیاتی که داشتیم در چند مرحله آماده می‌کردیم. برای نمونه برای جذب نیرو نوحه «کاروان منتظر ماست بی‌تا برویم» و در زمان حمله اشعاری را که حماسی باشند و شور حسینی را در میان رزمندگان ایجاد کنند می‌خواندیم. البته این حماسی شدن اشعار مربوط به زمان جنگ نبود. خیلی از اشعاری که قبل از پیروزی انقلاب خوانده می‌شدند هم حماسی بودند و هم سوز داشتند اما در آنها ذکر مصیبت هم گنجانده شده بود. بعضی اوقات می‌گفتند باید رجز خواند ولی وقتی با شعر حماسی شروع می‌کردم و بعد از آن ذکر مصیبت امام حسین (علیه السلام) را می‌خواندم خیلی تأثیرگذار بود و تحولی را در رزمندگان ایجاد می‌کرد که با انگیزه بیشتری در عملیات شرکت کنند. فراموش نکنیم که در ذکر مصیبت هم حماسه وجود دارد. مثلاً وقتی حضرت قاسم (علیه السلام) به میدان می‌رود و می‌گوید: «ای انا القاسم من النسل علی» همه حماسه است. یا وقتی حضرت علی اکبر (علیه السلام) شهید می‌شود، امام حسین (علیه السلام) بر بالین او حاضر می‌شود و می‌گوید: «علی علی الدنیا بعدک العافا». اینها هم ذکر مصیبت است، هم حماسه دارد و هم پیام و سوز دارد». سال ۶۴ با گردان مالک در خط پدافندی مهران بودیم. ایام دهه اول محرم بود. آن محرم از خاطره انگیزترین محرم‌های زندگی‌ام است. غیر از من رضا پور احمد و علی کریمی هم بودند که در دسته‌های دیگر می‌خواندند. اینکه پشت گوش دشمن و در یک قدمی شهادت باشی و روضه بخوانی و سینه بزنی حالی است که نمی‌توان توصیفش کرد.

غلام کویتی پور من حماسه خوانم



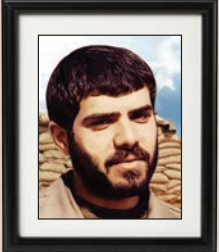
عامه مردم غلام کویتی پور را با نوحه ماندگار «ممد نبودی» می‌شناسند. کویتی پور اهل خرمشهر است و از سال اول راهنمایی وارد رشته موسیقی شد. او خودش را مداح نمی‌داند و می‌گوید حماسه‌خوان جنگ است. کویتی پور اعتقاد دارد که مداح واقعی اهل بیت (علیهم السلام) گذشته از اینکه دارای آگاهی و شناخت اعتقادی و عشق و محبت نسبت به قرآن و اهل بیت است و همان‌ها را هم به مخاطبانش منتقل می‌کند، سیر و سلوکی هم باید داشته باشد. خودش می‌گوید: «برای رسیدن به چنین مقاماتی راه‌های زیادی باید پیمود که من هنوز اندر خم یک کوچه‌ام، چه رسد به اینکه مداح اهل بیت باشم. واقعا لیاقت می‌خواهد خواننده‌ای به این مرحله برسد و افتخار کسب عنوان مداح اهل بیت (علیهم السلام) را دریافت کند. نه مظلوم‌نمایی می‌کنم و نه شکسته‌نفسی. به دیگران هم کاری ندارم و این نظر و عقیده را تنها درباره خودم روا می‌دانم. تنها سیر و سلوک، حضور در جبهه و فضای مقدس و معطر بین رزمندگان و شهدا بود. چند بیتی هم آنجا با نام فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) حماسه‌خوانی داشته‌ام که به برکت نام فرزندان آن حضرت و به لطف مردم، رسانه‌ها و برخی مسئولان این اشعار رنگ و بوی دیگری پیدا کرده و عنوان مداح اهل بیت را برآیم به همراه آورده، که البته من خودم را لایق آن نمی‌دانم و هیچ‌وقت هم نپذیرفتم که مداح اهل بیت هستم. چند سال قبل دو پسر ۱۷، ۱۸ ساله در یکی از میدان‌های شهر مرا شناختند. یکی از آنها گفت آقای کویتی پور پدرم می‌گوید شما و آقای آهنگران با صدایتان خیلی‌ها را به کشتن دادید! گفتم کشته شدن برای خدا و میهن لیاقت می‌خواهد. مسلماً صدای حاج صادق این قابلیت روحانی را داشت که نیروی دلگرم‌کننده‌ای برای جوانان آن روزها باشد تا از وطن و ناموسشان دفاع کنند ولی کاش من هم این لیاقت را داشتم. سبک‌های حماسه‌خوانی که در هشت سال دفاع مقدس استفاده کردم و در قالب آنها خواندم هیچ ربطی به سبک‌های مذهبی ندارند. هر چه هست از تجربیات شنیداری خودم و آن چیزی است که از موسیقی می‌دانم. گذشتگان ما هم اگر ملودی‌هایی را برای کارهای مذهبی خوانده‌اند و اسم ملودی مذهبی به خودش گرفته باز موسیقی است و بحثی در آن نیست. تنها چهار یا پنج کار من شناسنامه مذهبی دارد و بر اساس ملودی‌های مذهبی قدیمی است. به نظر خودم تمام کارهای من از موسیقی پاپ الهام گرفته شده‌اند. معتقدم موسیقی پاپ برای کارهای مذهبی به ویژه حماسی به درد می‌خورد اما کار هر خواننده‌ای نیست که بتواند از موسیقی پاپ برای کارهای مذهبی استفاده کند.»





۱
۲
۳
۴
۵
۶

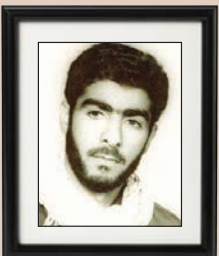
آخرین اثر زنده‌یاد غلامرضا شکوهی، شاعر پیشکسوت با عنوان «پنجه بر پیشانی» از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شد. این اثر دربردارنده ۸۰ غزل از مرحوم شکوهی در موضوعات مختلف از جمله آیینی است. شکوهی علاوه بر تجربه در حوزه‌های مختلف شعری، همواره به عنوان یکی از آیینی‌سرایان توانا نیز مطرح است. شعر شکوهی از نظر بسیاری از کارشناسان نمونه موفق شعر خراسان است اما با وجود این شاعر تلاش دارد با استفاده از زبان امروزی ویژگی‌های شعر امروز را نیز رعایت کند.



شهادت شهید محمد رضا
تورجی زاده

عشقی جاودانه

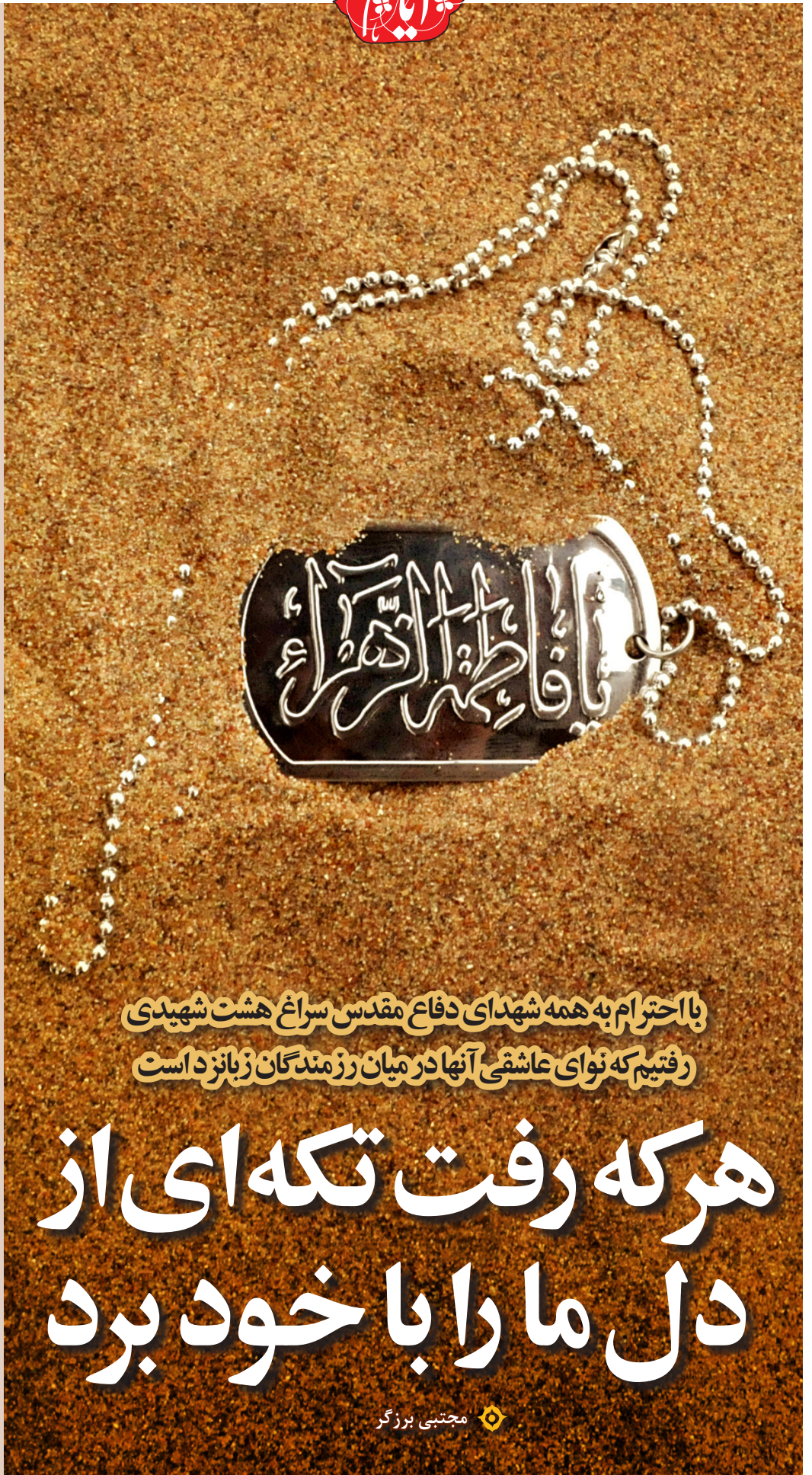
محمد رضا تورجی‌زاده برای رزمندگان گردان الزهراء (ع) نامی آشناست؛ جوان خوش‌سیمایی که با نوای گرم و دلنشین خود بچه‌های گردان را دور هم جمع می‌کرد. شهید تورجی‌زاده تابستان سال ۱۳۴۳ در اصفهان به دنیا آمد. کودکی باوقار که در میان همسالان خود ممتاز بود. او از همان کودکی عشق و ارادت خاصی به خاندان نبوت و امامت داشت و با شور و صفناپذیری در مجالس عزاداری شرکت می‌کرد. برای همین پدرش او را در مدرسه مذهبی احمدیه ثبت‌نام کرد تا در آن علائقش را دنبال کند. او مداحی و روضه‌خوانی را در دبیرستان هاتف با دعای کامل آغاز کرد و شب‌های جمعه در جمع دانش‌آموزان به مداحی می‌پرداخت. شهید تورجی‌زاده سال ۱۳۶۱ به جبهه رفت و خیلی زود زمزمه صدای خوشش در تیپ نجف اشرف پیچید. علاقه رزمنده‌ها به برپایی مجالس روضه‌خوانی او به حدی بود که تصمیم گرفت هیئت گردان الزهراء (ع) را تأسیس کند. او علاقه زیادی به حضرت زهراء (ع) داشت و همیشه در مداحی‌ها از مصائب آن حضرت می‌خواند. سرانجام نیز این عشق با جراحی که بر پهلو و بازویش خورد جاودانه شد. او در پنجم اردیبهشت ماه ۶۶ زمانی که فرماندهی گردان را برعهده داشت به آرزوی دیرینه‌اش رسید.



شهادت شهید محسن گلستانی

صدای گرم
و دلنشینی داشت

مگر می‌شود رزمندگان لشکر محمد رسول الله (ص) شهید محسن گلستانی را فراموش کنند. پای صحبت هر کدام آنها که بنشینید از مداحی‌ها و دعای صبحگاه محسن کلی خاطره دارند. خواهر شهید زندگی کوتاه برادرش را این‌گونه روایت می‌کند: «سال ۱۳۴۰ در محله‌ای به نام شهرستانک از توابع شهریار در ۲۶ کیلومتری جاده ساوه به دنیا آمد. بعد از دوره ابتدایی برای کمک به خانواده مشغول کار شد در حالی که از آموزش و پرورش برایش تشویق‌نامه آمده بود و همه معلمان اصرار داشتند باید فقط به درس خود ادامه دهد اما محسن دلسوز خانواده بود و تصمیم گرفت کنار تحصیل، مشغول کار شود. گشاده‌رویی و متانتش زبانش بود. برای همین دوستان زیادی داشت. در روزهای پیروزی انقلاب فعالیت‌های گسترده‌ای داشت. تا اینکه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. جنگ که آغاز شد، محسن به خدمت سربازی رفت و پس از دوره آموزشی داوطلبانه به کردستان رفت و تا پایان خدمت در سردشت ماند. در آنجا کارهای مختلفی انجام می‌داد. به بچه‌های سردشت، هم قرآن درس می‌داد و هم کلاس مداحی می‌گذاشت. به همین دلیل چند بار مورد حمله منافقین و کومله‌دموکرات قرار گرفت. محسن صدای گرم و دلنشینی داشت و به همین دلیل خیلی زود در لشکر محمد رسول الله (ص) به عنوان مداح معروف شد. همیشه آرزو داشت مانند حضرت زهراء (ع) شهید شود و همان‌طور که دوست داشت در عملیات والفجر ۸ در جاده فلو-ام‌القصر از ناحیه پهلو مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در ۲۵ سالگی به شهادت رسید.»



با احترام به همه شهدای دفاع مقدس سراغ هشت شهیدی
رفتیم که نوای عاشقی آنها در میان رزمندگان زبانزد است

هر که رفت تکه‌ای از دل ما را با خود برد

مجتبی برزگر



حجت‌الاسلام زائری در آیین افتتاح سایت «دینی کالا» که فروشگاه اینترنتی ملزومات سبک زندگی ایرانی-اسلامی است، گفت: «اگر تمام نهادها کالاهای بی‌ربط تولید و توزیع کنند، راه به جایی نمی‌بریم. این بازار وقتی شکل می‌گیرد که به نیازهای آن توجه کنیم. اگر تا ۱۰۰ سال دیگر هم مؤسسات دینی برای سبک زندگی حدیث و روایت خام از سبک زندگی بگویند، راه به جایی نمی‌بریم. آیا دشمنی که می‌خواهد حجاب را از سر جوانان ما بردارد روی دیوارهای شهرش نوشته یا کار فرهنگی کرده؟ ما فقط منبر رفتن بلدیم! اگر بهترین کالا هم تولید شود به دست مخاطب نرسد کاری صورت نگرفته است.»



شهادت شیر علی
سلطانی

شهادت بی‌سر

هنوز رزمندگان استان فارس صدای گرم و دلنشین شهید شیرعلی سلطانی را فراموش نکرده‌اند. شهید شیرعلی سال ۱۳۲۷ در محله کوشک شیراز در خانواده‌ای متدین چشم به جهان گشود. او تحصیلات کلاسیک خود را تا پایان سال ششم ابتدایی به پایان رساند و سپس وارد حوزه علمیه شد تا روح تشنه‌اش را در مکتب اسلام سیراب کند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در صف سربازان روح‌الله قرار گرفت و به مبارزه علیه رژیم پهلوی پرداخت به طوری که چند مرتبه مأموران ساواک او را مورد بازجویی قرار دادند. او پس از پیروزی انقلاب لباس سبز سپاه پاسداران را بر تن کرد و عازم جبهه‌های حق علیه باطل شد. علاوه بر اینکه مداحی می‌کرد، ذوق و قریحه شاعری هم داشت و با صدای دلنشین خود شب‌های جبهه را زیباتر می‌کرد. سرانجام این شیرمرد عرصه‌های نبرد در روز دوم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ در منطقه شوش بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید و پیکر بی‌سرش را در کتابخانه مسجدالمهدی شیراز به خاک سپردند. شهید سلطانی در وصیت‌نامه خود نوشته: «شرم می‌کنم در روز قیامت در پیشگاه اربابم امام حسین (علیه السلام) سر بر بدن داشته باشم». از او دو مجموعه شعر با عنوان «دیوان حق و باطل» و «شهید شمع تاریخ است» به یادگار مانده.



شهادت داوود
عابدی

ذکر دل بُود یا علی مدد

شهید داوود عابدی ۲۱ سال بیشتر نداشت که زمستان سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر در شرق رود دجله به شهادت رسید. او عضو سپاه و مداح اهل بیت (علیهم السلام) بود و علاقه عجیبی به خواندن روضه حضرت زهرا (علیها السلام) داشت. برای همین ممکن نبود مجلسی بگیرد ولی از حضرت زهرا (علیها السلام) گوید شهید غلام رزاق از نیروهای گردان حبیب بن مظاهر چگونگی شهادت داوود را این‌گونه تعریف کرده: «خیلی دوست داشت مثل حضرت زهرا (علیها السلام) شهید شود. همیشه این را می‌گفت، صبح عملیات بدر در مسیری که دوشکاهای دشمن بدجور شلیک می‌کردند او را دیدم که چهارزانو روی زمین نشسته یک کلاه مشکی موهای کوتاهش را پوشانده بود و ریش آبله و مشکی‌اش همچنان زیبا می‌نمود. چفیه سفیدی دور کمرش بسته بود. جلو که رفتم دیدم گلوله‌ای از پهلوی چپ او وارد و از پهلوی راستش خارج شده بود. خون داشت بیرون می‌زد اما داوود خونسرد نشسته بود. انگشتان دست‌هایش را در هم پیچیده بود و فشار می‌داد. خیلی به خودش فشار می‌آورد. در همان حال نشسته با صدایی گرفته زمزمه‌ای به گوشم رسید. داوود بود که می‌خواند: «ذکر دل بُود یا علی مدد/بی‌حد و عدد یا علی مدد». این جمله را که تمام کرده آرام با صورت به زمین افتاد و به شهادت رسید.



شهادت سید مجتبی
علمدار

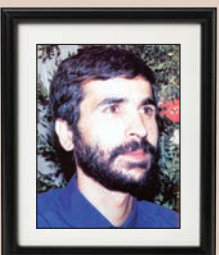
نماز عشق

در خانه کوچکی در ساری اتقایی بود که به اندازه هفت آسمان وسعت داشت. این خانه کوچک مدتی میعادگاه عاشقان اهل بیت و شاهد سوز و گدازه‌های عارفانه سوگواران ابا عبدالله (علیه السلام) بود و در ماه‌های محرم و صفر جمعیت اندک محله را در خود جامی داد. در فضای همین خانه در روز یازدهم دی ماه ۱۳۴۵ کودکی دیده به جهان گشود که نامش را مجتبی گذاشتند. او دومین فرزند خانواده و نخستین فرزند پسر سید رمضان علمدار بود. سید مجتبی در ۱۷ سالگی درس و مدرسه را رها کرد و به جبهه رفت. او چندین بار مجروح و در عملیات والفجر ۸ شیمیایی شد. اگرچه با اعزام‌های مکرر و تحمل جراحات‌های یاد شده وظیفه خود را نسبت به انقلاب در عرصه دفاع مقدس به انجام رسانیده بود اما روح عاشق و نستوه او آرام و قرار نداشت و بار دیگر او را به جبهه‌های نبرد کشانید به گونه‌ای که تا مدتی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ باید سراغ او را از نخلستان‌های آبدان و خاکریزهای شلمچه می‌گرفتند. چند سال بعد از پایان جنگ سید مجتبی ازدواج کرد که ثمره آن دختری به نام سیده زهر است. سید مجتبی علمدار اوایل دی ماه سال ۱۳۷۵ به دلیل جراحی شیمیایی رفته بیمارستان شد و بعد از یک هفته بی‌هوشی کامل هنگام آنن مغرب روز یازدهم دی ماه نماز عشق را با اذن ملکوتیان قامت بست و به پاران شهیدش پیوست.



شهادت مصطفی ملکی
زمره حیدر حیدر

شهید مصطفی ملکی از بچه‌های شهرری و مداح و عاشق حضرت علی (علیه السلام) بود و در هر مناسبتی ذکر آن حضرت را می‌گفت. یکی از دوستان شهید حکایت می‌کند: «شب عملیات رزمندگان مأموریت سنگین و مهمی پیش رو داشتند. در این هنگام بچه‌ها به شوخی دست‌هایشان را روی شانه یکدیگر گذاشتند و برای یکدیگر فاتحه خواندند و کمی هم نگران شدند. مصطفی به رزمندگان گفت بچه‌ها ناراحت نباشید. در حدیثی آمده اگر زمانی در آب گرفتار شدید با توکل به حضرت علی (علیه السلام) ذکر «حیدر حیدر» را زمزمه کنید. امیرالمؤمنین کمکتان می‌کند. قرار بر این شد که با قایق به جزیره ام‌الرصاص حمله کنیم در حالی که از زمین و آسمان آتش می‌بارید در کنار نهر عریض بودیم. رودخانه وسیع لرزید به ما می‌نگریست و قایق‌ها روی آب منتظر شروع عملیات بودند. با بچه‌ها قرار گذاشتیم وقتی قایق روشن شده ذکر «حیدر حیدر» بگوییم. آماده حرکت شدیم. ناگهان ترکش آری‌چی دشمن به بازوی جعفر نجاتی اصابت کرد و باعث شد جعفر در خاکریز بماند. با ذکر «حیدر حیدر» عملیات آغاز شد تا زمانی که روی رودخانه بودیم، زخمی نداشتیم. ام‌الرصاص را پشت سر گذاشتیم. روی پلی که ما را به ام‌الباقیه وصل می‌کرد مستقر شدیم. نیروهای عراقی منطقه را پر از آتش کرده بودند. تصمیم گرفته شد دعای به عقب برگردیم. مصطفی و حسین رجبی در آنجا ماندند و ما به عقب برگشتیم. چند لحظه بعد حسین رجبی آمد. از او پرسیدیم مصطفی کجاست؟ گفت مصطفی مثل مولایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) با فرق شکافته به شهادت رسید. گویا گلوله‌ای به سرش اصابت کرده بود. پیکر مصطفی در جزیره ام‌الرصاص ماند. تا اینکه چند سال بعد از جنگ توسط گروه تفحص پیدا شد.»



شهادت غلامعلی رجبی
یک بیت از اشعار ما به
عالمی نمی‌فروشم

شهید غلامعلی رجبی که همه او را با شعر زیبای «قربون کبوترای حرمت/قربون این همه لطف و کرم» می‌شناسند پسر صالح پیرغلام اهل بیت (علیهم السلام) مرحوم حاج حسن رجبی است که سال ۱۳۳۳ در محله آذربایجان تهران به دنیا آمد. پدر او که از اساتید برجسته اخلاق و عرفان زمان خود بوده اهتمام ویژه‌ای در تربیت فرزندان خود داشت. غلامعلی با راهنمایی‌ها و تربیت پدر بزرگوارش مداحی اهل بیت را از همان سنین نوجوانی آغاز کرد و به دلیل آشنایی با معارف قرآنی و اسلامی و استعداد در حفظ شعر و سوز در صدایش توانست در این عرصه سریع رشد کند. تا آنجا که از سبک‌ها و اشعار او مداحان برجسته کشور استفاده می‌کردند. او معلمی بود که علاوه بر مدرسه، در مسجد هم شاگردان زیادی داشت اما همه این فعالیت‌ها شهید غلامعلی رجبی را از حضور در جبهه‌ها باز نداشت. در جبهه هم مداحی می‌کرد و هم زیارت عاشورا می‌خواند و تا نیمه‌های شب طرف‌های رزمندگان را می‌سست. با اینکه از نظر مالی گرفتار بود اما حاضر نبود برای خواندن پول بگیرد و می‌گفت یک بیت از اشعار ما را به عالمی نمی‌فروشم. امام (علیه السلام) که قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت به او گفتند دیگر کفگیر شهادت به ته دیگ خورده‌ام در حالی که چهره‌اش با تبسم زیباتر شده بود گفت ته دیگ غذا لذیذتر است. او نخستین شهید گردان مسلم در عملیات مرصاد بود. وقتی تیر به قلبش نشست طوری سه مرتبه نام بی‌بی‌دو عالم حضرت زهرا (علیها السلام) را به زبان آورد که گویی تمام کوه و دشت با او همصدا بودند.



شهادت حاج رضا داروییان
بوسه بر خاک پای
ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)

در یکی از روزهای پاییزی سال ۱۳۴۵ کودکی در خانواده داروییان به دنیا آمد که بعد از سال‌ها در زمره سرداران بزرگ این دیار شد. رضا از کودکی علاقه زیادی به قرآن و مداحی داشت و همین توجه زیربنای اعتقادی و سنگ بنای ایمان او شد. در نوجوانی به حلقه بزرگان باسواد و بلدانش پیوست و در بیشتر مسائل اعتقادی، دینی و بحث‌های قرآنی دوشادوش آنها طی طریق می‌کرد و گاهی از آنها سبقت می‌گرفت که حکایت از ذهن خلاق و علاقه بالای او داشت. همیشه بین همسالان خود-چه در برنامه‌های رزمی، نظامی و چه در مسائل اعتقادی و فرهنگی و حتی در مسائل درسی- یک سر و گردن بالاتر از بقیه بود و همین ویژگی باعث شده بود توجه همه قرار بگیرد. هنوز در سن تمام نشده بود که تصمیم گرفت به جبهه برود اما به دلیل اینکه سنش کم بود اجازه اعزام به او نمی‌دادند ولی او کوتاه نیامد و با دستکاری شناسنامه‌اش راه ورود به جبهه را برای خودش هموار کرد. حاج رضا داروییان در سال‌های دفاع مقدس در عملیات‌های متعددی شرکت کرد و مدتی فرماندهی گروهان سوم گردان سیدالشهدای لشکر مکتبیه ۳۱ عاشورا را برعهده داشت. سرانجام مداح گردان سیدالشهدا (علیه السلام) در رمضان سال ۱۳۶۷ در منطقه شلمچه به شهادت رسید. حاج رضا داروییان از مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در وصیت‌نامه خود نوشته که در لحظه‌های آخر عمرش تنها یک آرزو دارد: «تنها آرزویم این است که در لحظه‌های آخر عمر خود را کشتان کشتان با صورت روی پاهای ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بیندازم و به خاک پای مبارک آن حضرت بوسه بزنم و خاک پایش را تویای چشمم کنم.»



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱

محمد مهدی سیار، شاعر برجسته کشورمان درباره شعر جوان امروز گفت: «شاهدیم شعرای جوانی که در گفتمان انقلاب اسلامی کار می‌کنند ارزش ادبی و کیفیت فنی کارهایشان بیشتر است و این مسئله بسیار نویدبخش است و نشان می‌دهد که کارهای آموزشی و فعالیت‌های مستمری که در حوزه هنری و آموزشگاه‌ها انجام می‌گیرد تأثیر گذار بوده است.»



عزاداری در جبهه‌ها



چهارده + ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

ویژه هیبت‌ها و محافل مذهبی
مدیر مسئول: ایمان شمسایی

دبیر ویژه‌نامه: رضا صیادی
دبیر تحریریه: زکیه سعیدی
طراح نامواره: محمد صمدی

با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری عقیق www.aghigh.ir

www.qudsonline.ir

